

محمد بهشتی:

مراقبت از ایران

از هر کاری واجب‌تر است

۲

روزنامه **سایما**

۱ سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۳۶۷ | پنجشنبه ۲۱ اسفند ماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |

www.payama.ir

شب‌ی که آسمان سوخت

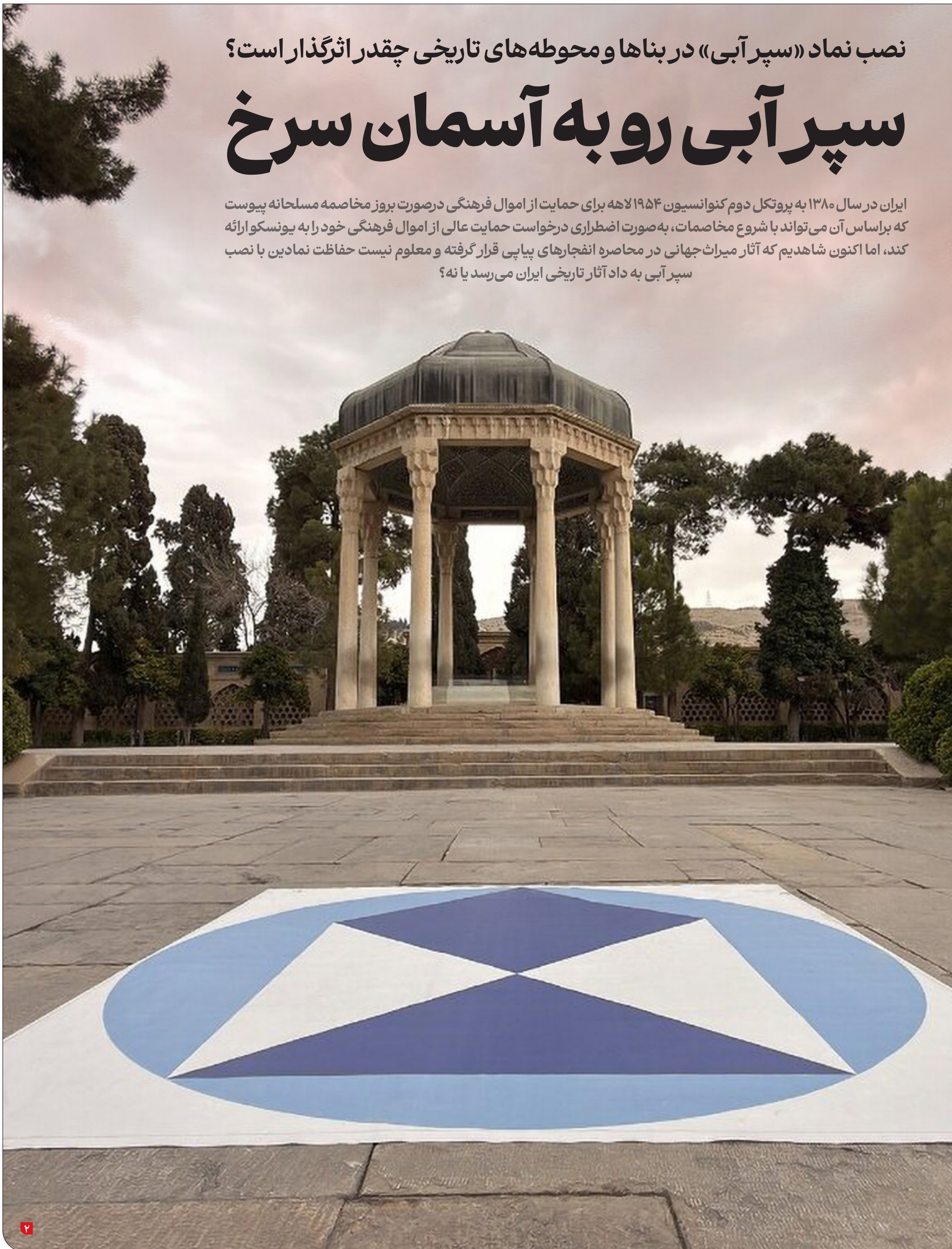
کارشناسان محیط‌زیستی درباره ادامه جنگ و تشدید انتشار کربن به جهانیان هشدار دادند

۳

نصب نماد «سپر آبی» در بناها و محوطه‌های تاریخی چقدر اثرگذار است؟

سپر آبی رو به آسمان سرخ

ایران در سال ۱۳۸۰ به پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه پیوست که براساس آن می‌تواند با شروع مخاصمات، به صورت اضطراری درخواست حمایت عالی از اموال فرهنگی خود را به یونسکو ارائه کند، اما اکنون شاهدیم که آثار میراث جهانی در محاصره انفجارهای پیاپی قرار گرفته و معلوم نیست حفاظت نمادین با نصب سپر آبی به داد آثار تاریخی ایران می‌رسد یا نه؟



۲

بررسی پیامدهای انفجار انبارهای نفت بر زندگی مردم

شب‌ی که آسمان سوخت

کارشناسان محیط‌زیستی درباره ادامه جنگ و تشدید انتشار کربن هشدار دادند



آکامیار فکور اروزنامه‌نگار ا

صبح روز ۱۷ اسفند آسمان تهران میان روز و شب تردید داشت؛ از شب گذشته‌اش که برج آتش، انبارهای نفت و بنزین را روشن کرد تا فردای آن که دود سیاه با ابر ترکیب شد و آسمان روز را تیره کرد.

باران سمی بر شهر سیاهی بارید و رد آن بر خیابان‌ها و ساختمان‌ها و ماشین‌ها به جای ماند. ساعت ۱۱ شب شنبه، ۱۶ اسفند، انبار نفت در شهری، شهران، اقدسیه و کرج هدف حمله قرار گرفت.

صبح یکشنبه شاخص لحظه‌ای کیفیت هوای تهران حدود ۹۱ و در محدوده قابل‌قبول قرار داشت، ولی آسمان هنوز تیره بود و تیرگی می‌بارید و تیرگی ناشی از تردد غیرضروری خودداری کنید. دلیل این شاخص این بود که ایستگاه‌های پیش کیفیت هوا تنها میزان آلاینده‌های معیار شامل ذرات معلق NO۲، O۳، CO، PM۱۰، PM۲.۵ و SO۲ را در سطح شهر اندازه‌گیری می‌کرد، نه آلاینده‌های ناشی از انفجار را.

معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد دود ناشی از اشتعال سوخت و ترکیبات نفتی می‌تواند حاوی ترکیبات سمی باشد و به همین دلیل لازم است تمهیدات لازم برای خودمراقبتی و کاهش مواجهه افراد، به‌ویژه گروه‌های حساس، در نظر گرفته

خبرزش |

گزارش «پیام ما» از برنامه‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست در روزهای جنگ

محیط‌بانی زیر حملات هوایی

ایپام ما این روزها همه به‌دنبال خبر هستند؛ اینکه عاقبت جنگ چه خواهد شد. در همین شرایط که هیچ‌کس اخبار مرتبط با محیط‌زیست را دنبال نمی‌کند، اما مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست مسئولیت سنگین‌تری دارند؛ حفاظت از تنوع‌زیستی ایران! برای مثال ادارهکل استان سمنان به‌دنبال تأمین غذای یوزهاست و یا در پردیسان گونه‌های نگهداری‌شده در مرکز درمان و بازپروری حیات‌وحش به مکان امن منتقل شده‌اند. این گزارش شرحی از اقدامات انجام‌شده در یک هفته ابتدایی جنگ در این حوزه است.

سعید یوسف‌پور، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان، این روزها هم درگیر مناطق چهارگانه است و هم یوزها! او به «پیام ما» می‌گوید: «یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های ما این است که در صورت طولانی‌شدن جنگ، چطور غذای مناسب و پایداری برای شش فرد یوزپلنگ موجود در سایت مرکز تحقیقات و تکثیر یوز آسیایی در مجموعه حفاظتی توران داشته باشیم.»

او می‌افزاید: «برای تأمین غذای یوزها، هشت فرد کل‌ویز از یکی از مراکز نگهداری در کردستان جابه‌جا شده است. در کنار آن ذخیره حدود یک ماه گوشت مناسب و باکیفیت برای یوزهای موجود در سایت تکثیر تحقیقات و تکثیر یوز آسیایی در مجموعه حفاظتی توران در سردخانه نگهداری می‌شود.» یوسف‌پور با اشاره به اینکه احتمال قطعی برق وجود دارد، می‌گوید: «برای اطمینان خاطر بیشتر، هشت فرد فوج‌ومیش و آهو از یکی مراکز تکثیر در اسارت استان یزد به استان سمنان منتقل شده است. با این اقدام، اطمینان‌خاطر داریم تا یکی‌دو ماه آینده خوراک یوزهای مرکز تحقیقات یوز تأمین شده‌است.»

به‌گفته مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان، در شرایط خاص کشور و حتی وضعیت‌های جنگی هم نباید خللی در مأموریت اصلی حفاظت از طبیعت ایجاد شود. او می‌افزاید: «بر همین اساس، با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده تمرکز ما بر تقویت بنیان‌های حفاظتی در مناطق و زیستگاه‌های مهم استان است.»

معاون محیط طبیعی و تنوع‌زیستی سازمان حفاظت

رئیس اداره سلامت اورژانس استان تهران با ارائه

توصیه‌هایی برای حفظ سلامت، هشدار داد انفجار

مخازن و انبارهای نفت می‌تواند موجب ورود حجم زیادی

از ترکیبات سمی شامل هیدروکربن‌ها و اکسیدهای

گوگرد و نیتروژن به جو و ابرها شود. در چنین شرایطی،

درصورت وقوع بارندگی، باران حاصل ممکن است

خاصیت اسیدی شدید داشته باشد و تماس با آن

می‌تواند موجب آسیب به مخاط بدن، پوست و دستگاه

تنفسی شود.

سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرد: «با توجه به

شرایط ایجادشده و ورود آلودگی به محدوده شهر تهران

در پی حملات اخیر آمریکایی-صهیونی، از شهروندان

درخواست می‌شود تا حد امکان از حضور غیرضروری در

فضای باز خودداری کنند و در منازل خود بمانند.»

جمعیت هلال‌احمر در اطلاعیه‌های خود عنوان کرد

انفجار انبارهای نفت باعث ورود حجم انبوهی از ترکیبات

سمی هیدروکربن‌ها و اکسیدهای گوگرد و نیتروژن در جو

و به ابرها می‌شود که درصورت بارندگی، باران حاصل

بسیار خطرناک و دارای خاصیت اسیدی شدید است و

می‌تواند باعث سوختگی‌های شیمیایی پوست و آسیب

جدی به ریه‌ها شود و راهکارهای مراقبتی برای شهروندان

ارائه کرد.

جنگ چهره‌ای آلوده دارد؛ آلوده به خون و دود. بیش از یک هفته از جنگ علیه ایران می‌گذرد و نه‌تنها جان و مال

انسان‌ها تحت الشعاع قرار داده که امکان‌های زیستی شهروندان نیز در حال سلب شدن است. هوای آلوده در اکثر

روزهای سال هممان ریه بسیاری از شهرهای ایران بوده و حالا با انفجار انبارهای نفت و آلودگی‌های ناشی از آن تنفس

شهر با وضعیت نامناسب‌تری روبه‌رو شده. وضعیتیه که از اورژانس و وزارت بهداشت تا سازمان محیط‌زیست را به هشدار

و توصیه به شهروندان واداشت. بعد دیگر این انفجارها پیامدی بود که کارشناسان محیط‌زیستی در سراسر جهان

همواره نسبت به آن هشدار داده‌اند؛ جنگ و تشدید انتشار کربن.

شود. او ضمن اشاره به راهکارهای خودمراقبتی تصریح

کرد با توجه به شرایط جوی و شروع بارندگی، این ترکیبات

می‌توانند به سطح زمین و خاک منتقل شوند، بنابراین

لازم است تا حد امکان از تماس با آنها اجتناب شود.

همچنین، توصیه شد از مصرف آب چاه‌های روباز یا

مخازن ذخیره آب باران در مناطق نزدیک به محل حادثه

خودداری شود و حیوانات خانگی و احشام نیز به

فضاهای کاملاً سرپوشیده منتقل شوند.

سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرد: «با توجه به

شرایط ایجادشده و ورود آلودگی به محدوده شهر تهران

در پی حملات اخیر آمریکایی-صهیونی، از شهروندان

درخواست می‌شود تا حد امکان از حضور غیرضروری در

فضای باز خودداری کنند و در منازل خود بمانند.»

جمعیت هلال‌احمر در اطلاعیه‌های خود عنوان کرد

انفجار انبارهای نفت باعث ورود حجم انبوهی از ترکیبات

سمی هیدروکربن‌ها و اکسیدهای گوگرد و نیتروژن در جو

و به ابرها می‌شود که درصورت بارندگی، باران حاصل

بسیار خطرناک و دارای خاصیت اسیدی شدید است و

می‌تواند باعث سوختگی‌های شیمیایی پوست و آسیب

جدی به ریه‌ها شود و راهکارهای مراقبتی برای شهروندان

ارائه کرد.

«محمدصادق احدی»، کارشناس تغییراقلیم و معاون

اسبق دفتر تغییراقلیم سازمان محیط‌زیست، در گفت‌وگو

با «پیام ما» می‌گوید: «تا آنجاکه به تأثیرات ناشی از انفجار

انبارهای نفت بر هوا برمی‌گردد، باید به دو موضوع انتشار

گازهای گلخانه و انتشار آلاینده‌های هوا اشاره کرد. از

طرفی احتمال نفوذ فرآورده‌های نفتی به خاک یا آب‌های

زیرزمینی وجود دارد. البته به‌دلیل حالت انفجاری،

احتمال نفوذ به خاک و آب‌های زیرزمینی عملاً به‌شکل

احتراقی اتفاق می‌افتد و ممکن است شدت و میزان این

نفوذ کم باشد.»

پس از این انفجار تصویری از سررازیر شدن این میعانات

به جوی‌های آب و آتش گرفتن آنها منتشر شد. احدی با

اشاره به اینکه نمی‌تواند صحت این موضوع را به‌طور

دقیق تأیید کند، می‌گوید: «برداشت من این است که این

اتفاق نمی‌تواند بیفتد؛ چراکه حمله موشکی باعث وقوع

انفجار شده و محصول درون انبارها نیز فرار است.

محصول عمده این مخازن بنزین، گاز و نفت سفید

است.»

احدی توضیح می‌دهد: «عمده آلایندگی در حوزه انتشار

گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های هوا است. البته بخش

آلاینده‌های هوا و آلودگی‌های محلی خیلی مهم‌تر از

انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از این موضوع است؛

چراکه حجم عظیمی از آلاینده‌های هوا که شامل CO،

ساکس، ناکس و دوده می‌شود و در یک مدت زمان کم

در یک محیط، تقریباً اشباع می‌شود. کیفیت هوای

شهرهایی مثل تهران، کرج و شهرهای بزرگ کشور در

بسیاری از روزهای سال در محدوده ناسالم برای

گروه‌های خاص و ناسالم برای همه گروه‌ها است. لذا

برای این شهرهاکه خود در تنش محیط‌زیستی قرار دارند،

ورود ناگهانی این حجم از آلایندگی، می‌تواند شاخص‌ها

را به وضعیت خطرناکی برساند.»

او می‌گوید: «روز ۱۷ اسفند باران بخشی از این آلودگی هوا

را کم کرد، ولی درصورت چنین اتفاقاتی اگر هوا آرام باشد

و وزش باد شکل نگیرد، این آلودگی عظیم برای چند روز

در هوا ماندگار خواهد بود و تأثیرات آن عمیق‌تر

می‌شود.»

۴۰ه هزار تن انتشار کربن

معاون اسبق دفتر تغییراقلیم سازمان محیط‌زیست

درباره انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از این انفجارها

برآورد می‌کند: «تقریباً هر لیتر بنزین حدود ۲.۴ کیلوگرم

دی‌اکسیدکربن انتشار می‌دهد. این عدد برای گازوئیل

۲.۶ و برای نفت سفید ۲.۵ است. این مخازن را اگر یک

مخزن به قطر ۴۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر و محموله آن را هم

مثلاً بنزین در نظر بگیریم، درصورت پر بودن مخزن،

سوختن آن به‌ازای هر مخزن حدود ۳۰ هزار تن کربن

انتشار می‌دهد.

همچنین، اگر یک سایت را در نظر بگیریم که ۲۰ مخزن

داشته باشد و مخازن آن هم در سطح ۷۰ درصد پر شده

باشد، عملاً منجر به ۴۰ه هزار تن انتشار کربن خواهد شد

که اصلاً عدد کمی نیست.»

این کارشناس تغییراقلیم می‌افزاید: «کنته حائز اهمیت

این است که بابت این ۴۰ه هزار تن انتشار، هیچ بهره و

استفاده و ارزش‌افزوده‌ای به دست نیامده و تنها منجر به

یک بحران محیط‌زیستی ناشی از حمله جنگی شده است.

به‌عبارت دیگر، اگر این انفجار هم صورت نمی‌گرفت، باز

هم این حجم از انتشار کربن اتفاق می‌افتاد، اما به‌واسطه

تولید، بخش حمل‌ونقل هم از آن بهره می‌برد؛ اما حالا

هیچ.»

شاهد بودیم و در استان فارس نیز مدیرکل حفاظت

محیط‌زیست به‌همراه فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست از

پارک ملی بم‌ودیدن کردند.

«حسن عباس‌نژاد»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان

تهران، نیز با هدف بررسی وضعیت پاسگاه‌های محیط‌بانی، از

مناطق تحت مدیریت و پاسگاه‌های محیطبانی دیدن کرد.

همچنان‌که در ایلام، «علیرضا محمدی»، مدیرکل حفاظت

محیط‌زیست استان، به‌همراه معاون محیط‌زیست طبیعی و

تنوع‌زیستی این اداره‌کل، با حضور در منطقه حفاظت‌شده

کولگ مهران، از آخرین وضعیت حفاظتی و پایش‌های

شبانه‌روزی این منطقه بازدید کردند.

«عبدالرحمن مرادزاده»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان

بوشهر، هم با حضور در منطقه حفاظت‌شده حله، از آخرین

اقدامات انجام‌شده برای احیا و مدیریت این تالاب بازدید و بر

تسریع در اجرای برنامه‌های احیایی تأکید کرد.

این دیدارها گرچه یک گام به جلو نسبت به جنگ دوازده‌روزه

۳

روزنامه

www.payam.ma

ا خبر |

افزایش آلودگی‌های

زیست‌محیطی ایران

نسبت به جنگ ۱۲روزه

مسئول پیگیری امور مخاطرات و ارزیابی

خسارات محیط‌زیستی کشور تأکید کرد: با توجه

به افزایش قابل‌توجه تعداد و گستره تهاجم‌های

آمریکایی-صهیونی به خاک کشور شاهد

آلودگی‌های محیط‌زیستی بسیار بیشتری نسبت

به جنگ تحمیلی دوازده‌روزه هستیم.

«علی‌محمد طهماسبی بیزگانی» اعلام کرد:

«براساس اخبار منتشرشده و به اذعان رژیم

صهیونیستی، تاکنون بیش از دو برابر جنگ

دوازده‌روزه از بمب و موشک استفاده شده

است. بنابراین، آلودگی و آسیب‌هایی

زیست‌محیطی بسیار بیشتری به کشور وارد

شده و به امکانات و اعتبارات به مراتب بیشتری

برای احیا و بازسازی مناطق آسیب‌دیده نیاز

خواهد بود که باید در قالب غرامت از متجاوزان

اخذ شود.»

او درباره نحوه ارزیابی خسارات محیط‌زیستی

تهاجم‌هایی مانند انفجارهای انبارهای نفت

تهران گفت: «پس از این انفجارها، با همکاری

سایر بخش‌های سازمان متبوع در حال دریافت

اطلاعات مورد نیاز از جمله نوع و حجم سوخت‌ها

هستیم که متعاقب آن، اعداد و ارقام خسارات

زیست‌محیطی ناشی از این اتفاق تعیین

خواهد شد.»

طهماسبی بیزگانی اضافه کرد: «این کار در

جنگ دوازده‌روزه نیز صورت گرفت و براساس

آن، معادل گازکربنیک واردشده به جو و اثر آن

در تغییراقلیم محاسبه شد. در پایان و بر مبنای

وزن معادل دی‌اکسید کربن، خسارت آن بر

مبنای نرخ جهانی که حدود ۸۰ دلار در هر تن

است، محاسبه شد.»

مسئول پیگیری امور مخاطرات و ارزیابی

خسارات محیط زیستی کشور در بخش دیگری

از صحبت‌های خود درباره چگونگی ارزیابی

خسارات زیست‌محیطی حمله آمریکایی-

صهیونی به کشور گفت: «پس از جنگ

دوازده‌روزه و براساس تجربه‌های به‌دست‌آمده،

یک دستورالعملی تحت عنوان «دستورالعمل

جامع حفاظت از محیط‌زیست در شرایط جنگی»

تدوین و به استان‌ها ابلاغ کردیم. این

دستورالعمل شامل مواردی مانند پیشگیری و

آمادگی است که در فاصله دو جنگ تهیه و در

آن به موضوعاتی مانند ارزیابی و برنامه‌ریزی

مثل مدیریت ریسک، سازماندهی و پیش‌بینی

ساختار درصورت وقوع مجدد جنگ پرداخته

شده است.»

او افزود: «انجام اقدامات حفاظتی شامل پایش

مداوم منابع حیاتی و حفاظت از تنوع‌زیستی از

دیگر موارد این دستورالعمل است که جزئیات

آن برای استان‌ها ارسال شده است. ارائه

آموزش و آگاهی‌بخشی زیست‌محیطی به‌علاوه

جزئیات مربوط به آن را نیز به استان‌ها ابلاغ

کرده‌ایم.»

مسئول پیگیری امور مخاطرات و ارزیابی

خسارات محیط زیستی کشور اضافه کرد: «با

تهیه دستورالعمل جامع حفاظت از محیط‌زیست

و ابلاغ آن به استان‌ها، زمینه‌ای را فراهم کردیم

تا درصورت وقوع مجدد جنگ، تدابیر عملیاتی

اتخاذ و اقدامات اجرایی لازم و مورد نیاز برای

پیگیری ویژه هنگام جنگ انجام شود.

علاوه‌برآن، بازسازی و بازتوانی محیط‌زیست نیز

در این دستورالعمل پیش‌بینی شده است که

این مرحله پس از پایان جنگ باید انجام شود.»

او با بیان اینکه در حال حاضر ملک عمل

ادارات محیط‌زیست استان‌ها این دستورالعمل

است، گفت: «به‌جز این دستورالعمل،

موضوعات مربوط به راهبردها و رویکردهای

مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست در زمان جنگ

را بعد از جنگ دوازده‌روزه تدوین و به استان‌ها

ابلاغ کردیم. سه روز قبل این دستورالعمل را

به‌روزرسانی و شنبه هفته جاری (۱۶ اسفندماه)

که اولین روز کاری بعد از تعطیلات عمومی بود،

به استان‌ها ابلاغ کردیم.»

او اضافه کرد: «به ادارات حفاظت محیط‌زیست

استان‌ها تأکید کرده‌ایم اطلاعات و خسارات

زیست‌محیطی آتش‌سوزی‌های رخ‌داده ناشی از

این جنگ در محیط‌های طبیعی را به تفکیک

تهیه کنند. یک گروه در فضای مجازی با عضویت

اداره‌کل محیط‌زیست استان‌ها شکل دادیم و

روزنوشته‌های زنی در جنگ



ایران ۱



اطاهره جورکش ا

اپژوهشگر اجتماعی وفعال حوزه زنان ا

نگاه می‌کنند. انگار غریبه‌ها، کمتر غریبه شده‌اند. دلشان می‌خواهد با هم حرف بزنند؛ حتی چند کلمه کوتاه، حتی شده سر قیمت و کیفیت سیب‌زمینی‌هایی که تره‌بار محل گونی‌گونی روی زمین ریخته. انگار مردم تهران می‌دانند امشب، شب بسیار طولانی و پرتناقض برای ایران است.

روز دوم جنگ؛ یکشنبه، دهم اسفند

جنگ، از لحظه‌ای شروع می‌شود که با صدای انفجار از خواب می‌پری و چند ثانیه طول می‌کشد ب فهمی هنوز زنده‌ای. قرص کمک کرد چند ساعتی بخوایم، اما حوالی ۱۲ ظهر انفجارها شدت می‌گیرد؛ سه ضربه پشت سر هم، کوتاه و بی‌رحم. صدایشان فقط صدا نیست، موجی است که از دیوار و پنجره می‌گذرد. هر کجا را که می‌زنند، بی‌اختیار به دوستی که آن حوالی زندگی می‌کند، زنگ می‌زنم. گوشه که برداشته می‌شود، فقط یک کلمه کافی است: «خویم،» همین. بعد سریع قطع می‌کنیم؛ نه حرف اضافه‌ای، نه توضیحی. انگار سهم ما از آرامش، همین چند ثانیه کوتاه است.

عجیب‌تر از انفجار فاصله میان انفجارهاست؛ چند دقیقه سکوت و بعد صدای بلبل‌ها. تا فرصت کوتاهی پیدا می‌کنند آواز می‌خوانند و از آمدن بهار خبر می‌دهند. انگار می‌گویند: «سال نو می‌آید، چه صاف است، با ابرهای سفید و زریبا، با دود غلیظ و تیره که بی‌دعوت یکی‌یکی بالا می‌روند. زیبایی و ویرانی آنقدر بهم نزدیک‌اند که مرزشان گم می‌شود. پارادوکسی که میان رفتار مردم هم می‌توانی ببینی. از پنجره، زنی را می‌بینم که پتو می‌تکاند و گردوغبار پتو در هوا می‌رقصد. زیر صدای بمب خانه‌تکانی می‌کند.

بوی عید در هواست، مخلوط با بوی باروت. بهار هنوز درخت‌ها را وادار به جوانه‌زدن می‌کند. انگار زندگی و مرگ، امید وحشت، دست در دست هم در خیابان‌های تهران قدم می‌زنند. امروز نمی‌دانم چند نفر را از دست داده‌ایم. فقط می‌دانم تهران را شدیدتر از روز اول زدند. جایی خواندم پستارنان زیر موشک، نوزادان بیمارستان گاندی را به جای امن منتقل می‌کردند. فکر کردن به اینکه حتی زیر باران آتش، هنوز کسانی هستند که جان دیگری را در آغوش می‌گیرند و می‌دوند، امیدوارم می‌کند.

روز سوم جنگ؛ دوشنبه، یازده اسفند

شب صدای انفجارها آنقدر شدید است که فکر می‌کنم هر لحظه سقف روی سرم فرومی‌ریزد. به‌محض قطع شدن صداها، تصمیم می‌گیرم چند ساعتی بخوایم. باین‌حال، نمی‌توانم راحت بخوایم. اخبار را مرور می‌کنم و می‌بینم کاخ گلستان هم هدف قرار گرفته است. تصاویرش ناراحت‌کننده است؛ یکی از مهم‌ترین نمادهای تاریخی کشورمان آسیب زیادی دیده. اما در آن لحظه، هیچ فضایی برای ناراحتی و افسوس باقی نمانده است. خواهرم اصرار دارد به خانه‌اش برویم تا وسایل ضروری‌اش را بردارد. حدود ساعت یک بعدازظهر می‌رسیم. یک ساعت بعد، جلوی چشمم هفت نقطه مختلف در تهران هدف حمله قرار گرفت. از دور دود غلیظ بلند شد و برج میلاد پشت آن محو شد. مات و مهیوت ایستادم و فقط به آن منظره نگاه کردم. خواهرم فریاد می‌زند: «بیا سریع برویم، اینجا دیگر امن نیست!» اما پیش از اینکه در بالکن را ببندم، صدای انفجار شدیدتری آمد. این‌بار اتوبان امام‌علی شمال هدف قرار گرفت و خانه به‌شدت لرزید. من که از آشپزخانه بیرون شده‌ام، چند ثانیه بعد توانستم

خودم را جمع کنم. متوجه می‌شوم موج انفجار باعث شده کف خانه بپتیم. پاهایم به‌قدری درد گرفته که توان بلند شدن ندارم. خانه همچنان تکان می‌خورد و انگار شیشه‌ها هر لحظه آماده شکستن‌اند. تریس عمیقی وجودم را می‌گیرد. احساس می‌کنم شاید این لحظه، آخرین لحظه‌های زندگی من باشد.

صدای آژیر خطر همچنان از بلندگوها پخش می‌شود. بعداً متوجه می‌شوم برخی از شهرک‌ها در تهران سیستم آژیر دارند، اما برای همه مناطق شهر این سیستم وجود ندارد. چند دقیقه‌ای در خانه پناه می‌گیریم، اما زمین همچنان می‌لرزد و فقط با خودم می‌گویم: «لعلتی، تموم شو دیگر.»

بعد از چند دقیقه، مردم هراسان از خانه‌ها بیرون می‌ریزند. با اضطراب کنار هم می‌نشینند و به آسمان نگاه می‌کنند. چطور به خانه برمی‌گردم؟ خودم هم نمی‌دانم. فقط صدای خواهرم را می‌شنوم که می‌گوید: «بالا را نگاه نکن، داری رانندگی می‌کنی!» دود غلیظی از پشت دوستی از آنیته می‌بینم و ماشین‌هایی که در اتوبان امام‌علی به سمت شمال می‌آیند؛ می‌خواهند از منطقه‌ای پر از دود و آتش فرار کنند. با سرعت بالا رانندگی می‌کنم و می‌دانم از کنار دو پایگاه نظامی مهم می‌گذرم.

در همان لحظه، چشمم به درختی با شکوفه‌های صورتی کنار جاده می‌افتد. بی‌اختیار به خواهرم می‌گویم: «ببین چه درخت زیبایی!» اما او فقط با چشمان حیرت‌زده به من نگاه می‌کند. می‌گویم: «الان انتظار این شکوفه‌ها را در تهران نداشتم.»

فکر می‌کنم شاید از ساعت پنج بعدازظهر همه چیز آرام شود، ولی واقعیت این است که تازه همه چیز از آن زمان شروع می‌شود....

روز چهارم جنگ؛ سه‌شنبه، دوازده اسفند

درحالی‌که جنگ همچنان با تمام قدرت، در بیرون از خانه جریان دارد، ما تلاش می‌کنیم در خانه تا حد ممکن شرایط را عادی نگه‌داریم، به‌ویژه به‌خاطر دریا. میکروسکوپی را که برایش خریده بودم و قرار بود سال نو به او عیدی بدهم، برایش می‌آورم تا شاید کمی سرگرم شود و کمک کند کمتر صدای انفجارها را متوجه شود. در این روزها به او یاد داده‌ایم و توتی صدای انفجار آمد، بازی شروع می‌شود و به‌سمت اتاقی که پنجره ندارد می‌رویم. هرکسی سریع‌تر رسید، برنده است. در آن لحظات، وسط خنده‌های مصنوعی من و فریادهای واقعی‌ام، او متوجه می‌شود اتفاق بدی افتاده است. این لحظه تا امروز برایم یکی از دردناک‌ترین‌هاست. خانواده تصمیم گرفته‌اند تهران را ترک کنند. شب گذشته، هیچ‌کدام نتوانسته بودند حتی یک دقیقه بخوایند (من خودم با قرص تقریباً بی‌هوش شده بودم) چراکه تا پنج صبح، تهران به‌شدت زیر انفجار بود. وقتی صحبت از رفتن می‌شود، دریا با خواشش به من می‌گوید: «خاله، میشه یکم دیگه صبر کنیم تا بابام هم بیاد؟» و من می‌گویم: «بله که میشه» و با خودم می‌گویم هر جور شده صداها را تحمل می‌کنیم تا شوهر خواهرم که به‌دلیل کنسل شدن پروازها در شهر دیگری بود، خودش را به ما برساند. با هر زحمتی که هست، تهران را ترک می‌کنیم. با اینکه واقعاً دوست دارم بمانم و خیلی چیزها را در شهرم از نزدیک ببینم، اما ترجیح می‌دهیم برویم. تا رسیدن به بزرگراه تهران–شمال، خیلی از خانه‌ها

آسیب جدی دیده‌اند و حتی کامل تخریب شده‌اند. شیشه‌های پنجره‌ها در برخی جاها کاملاً شکسته است و در برخی دیگر، شدت انفجار مصالح ساختمان را وسط اتوبان ریخته است. من چاره‌ای جز رفتن ندارم. این چهار روز جنگ من را فلج کرده است. دوستانم مدام تماس می‌گیرند و می‌پرسند: «چرا هنوز تهران را ترک نکردی؟» ما به مقصد می‌رسیم، اما صدای جگنده‌ها اینجا هم وحشتناک بلند است. مثل فیلم‌های آخرالزمانی، انگار سفینه‌های فضایی از بالای خانه‌ات پرواز می‌کنند و سقف خانه هر لحظه ممکن است از جا دربیاید. جنگنده‌ها که صدای مهیبشان در آسمان می‌پیچد، چند دقیقه بعد اخبار اعلام می‌کند تهران منفجر شده‌است. تومی‌مانی باکل روز و اخباری که به‌سختی به آن دسترسی داری و باید آنقدر پیگیری کنی تا بفهمی کجای ایران و تهران هدف قرار گرفته، شدت انفجار چقدر بوده، چند نفر جان باخته‌اند و وضعیت چگونه است.

دوستی از قم تماس می‌گیرد و می‌گوید مجلس خبرگان قم را زده‌اند، چند خانه مسکونی و یک داروخانه تخریب شده‌اند.

دوست دیگری از شیراز تماس می‌گیرد و می‌گوید یک پادگان در شیراز را زده‌اند، ۰۸ نفر کشته شده‌اند و سربازها را مریض کرده‌اند.

و من تمام شب بین اخبار چرخ می‌زنم و متوجه نمی‌شوم که دیگر صبح شده است.

روز پنجم جنگ؛ چهارشنبه، سیزده اسفند

صف‌های طولانی بنزین در خیابان‌ها، هر لحظه طولانی‌تر می‌شوند؛ بنزین این روزها از طلا هم ارزشمندتر است. برخی جاها سهمیه‌ها محدود شده‌اند و رفت‌وآمدها به حداقل رسیده. زندگی شهری و روزمره تقریباً متوقف شده و مردم بیشتر وقت خود را در خانه‌ها می‌گذرانند. هر بار که تصمیم می‌گیری از خانه بیرون بروی، با خود می‌گویی: «فقط برای نیازها و کارهای ضروری.»

قطع اینترنت، جهان را به‌اندازه محله، خانه و جمع خانواده محدود کرده است؛ همین موضوع باعث می‌شود مردم منزوی‌تر شوند. به‌نظم بدترین پیامد این روزهای جنگ همین قطع اینترنت است. اطلاعات درست، نایاب و ارزشمند شده. رسانه‌های داخلی بیشتر به صحنه رجزخوانی و تهدید علیه دشمنان تبدیل شده و خبری از نکات عملی برای ایمنی مردم نیست؛ اطلاع‌رسانی از جایی که بتوان به آن پناه برد، اعلام مناطق خطرناک و حتی آمار واقعی کشته‌ها یا آسیب‌دیدگان مشخص نیست. رسانه‌های خارجی وضعیت بهتری ندارند و تنها ویرانی‌ها و مناطقی که بمباران شده را نشان می‌دهند، بدون اینکه به واقعیت انسانی در جنگ اشاره کنند. جنگ، در صفحات و اخبار به نام شهرها تهران به‌شدت زیر انفجار بود. وقتی صحبت از رفتن می‌شود، دریا با خواشش به من می‌گوید: «خاله، میشه یکم دیگه صبر کنیم تا بابام هم بیاد؟» و من می‌گویم: «بله که میشه» و با خودم می‌گویم هر جور شده صداها را تحمل می‌کنیم تا شوهر خواهرم که به‌دلیل کنسل شدن پروازها در دوستان و خانواده محدود شده است؛ این شبکه‌های کوچک، تنها جایی است که می‌توان در آن ردیای حقیقت را پیدا کرد. هر انفجار، هر خبر و هر شایعه، در این فضای پر از تنش و تردید، وزنی بس سنگین دارد.

اهمیت نمی‌دهد. اعتماد حالا به تماس‌های محلی و حرف‌های دوستان و خانواده محدود شده است؛ این شبکه‌های کوچک، تنها جایی است که می‌توان در آن ردیای حقیقت را پیدا کرد. هر انفجار، هر خبر و هر شایعه، در این فضای پر از تنش و تردید، وزنی بس سنگین دارد.

اطلاع‌رسانی |

بیعت خانواده بزرگ صنعت مس کشور در مجتمع مس سرچشمه رفسنجان

با آیت‌الله العظمی سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

آزادگان جهان عمیق و جانکاه است، اما همان‌گونه که تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نشان داده، چنین حوادثی نتنها حرکت انقلاب را متوقف نمی‌کند، بلکه اراده ملت ایران را برای ادامه راه حق و مقاومت استوارتر می‌سازد.

انقلاب اسلامی، مکتبی زنده، پویا و بالنده است که با شهادت متوقف نمی‌شود، بلکه در پیژو آن رویش‌های تازه و امیدهای نو پدید می‌آید. بی‌تردید استمرار این مسیر الهی، با اتکال به خداوند متعال و با هدایت‌های رهبری، آینده‌ای روشن را برای امت اسلامی رقم خواهد زد.

با این انتخاب، ملت ایران به فضل الهی و عنایات حضرت ولی‌عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) از نعمت رهبری برخوردار شده که با ایمان و تقوا، روحیه انقلابی، شجاعت، تدبیر و شناخت دقیق از شرایط زمانه و دشمنان اسلام شناخته می‌شود.

ما کارکنان مجتمع مس سرچشمه رفسنجان؛ به عنوان نماد توسعه و بالندگی صنعت مس این سرزمین، ضمن تجدید عهد با آرمان‌های ولای حضرت امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب اسلامی، بیعت و وفاداری خود را با حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی) اعلام می‌داریم و تعجبت از رهنمودها و فرامین ایشان را وظیفه‌ای شرعی، ملی و انقلابی خود می‌دانیم.

مجتمع مس سرچشمه رفسنجان با باور عمیق به نقش هدایت‌گر ولایت فقیه در تعالی و پیشرفت امت اسلامی، خود را موظف می‌داند به‌عنوان سنگر مقدم تولید تمام ظرفیت‌های خود را در جبهه اقتصادی در مسیر تحقق منویات و چشم‌اندازهای رهبر معظم انقلاب به‌کارگیرد و در مسیر پیشرفت کشور نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشد.

روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان



آیت‌الله

نقش جهان

مجتبی خامنه‌ای

رهبر انقلاب شد

انتخاب تاریخی

تهران مرکز توجه جهان

«احمد امین‌نظر»، نقاش معاصر

در سکوت و بی‌خبری درگذشت

مرگ در میان آوار اخبار



اصدف سرداری ا

روزنامه‌نگار ا

«احمد امین‌نظر»، نقاش معاصر، در ۷ سالگی از دنیا رفت. در خانه–کارگاهش در کرج، آن‌هم در تنهایی. پیکر بی‌جان‌ش را دوستانش یافتند که چند روزی از حالش بی‌خبر بودند. در خانه را شکستند و دیدند تمام شده. در روزهای جنگ و سیل اخبار مربوط به آن، انگار خبر درگذشت امین‌نظر میان اخبار دیگر گم شد. مثل مرگ «جلال خالقی مطلق»، شاهنامه‌پژوه بزرگ، که شاید اگر در روزگار دیگری از دنیا می‌رفت، توجه‌ها به مرگش بیشتر می‌بود. مثل مرگ «عبدالمجید ارفعی»، نخستین مترجم منشور کوروش، در ششم اسفندماه که گره خورد به اتفاقات بعدی و جنگ. قطعی اینترنت هم به این بی‌خبری‌ها

بیشتر دامس می‌زند و جدای از همه اینها، توجه خبرگزاری‌ها هم به این موضوع بسیار محدود بود. برای نوشتن از امین‌نظر نیاز به اینترنت داشتم. می‌خواستم برای انتشار خبر درگذشتش تصاویری از نقاشی‌هایش را پیدا کنم؛ تصاویری از خودش و آثارش، همچنین درباره زندگی‌اش و اینکه در چند سال اخیر چه نمایشگاهایی برگزار کرده. اما به‌دلیل

مسدودشدن راه‌های اتصال به اینترنت جهانی، چندان موفق نبودم. جست‌وجوکلیدواژه نام او در خبرگزاری‌ها هم هیچ خبری نشان نمی‌داد. تنها یک خبرگزاری بود که چند خبر کوتاه درباره برگزاری نمایشگاه‌هایش منتشر کرده بود. عاقبت فقط وب‌سایت «دز» بود که اطلاعاتی درباره امین‌نظر داشت و در وب‌سایت «گالری اینفو» هم می‌شد نمایشگاه‌هایی را که برگزار کرده، جست‌وجو کرد. تصاویر آثار فقط در همین دو وب‌سایت موجود است و شاید اگر اینترنت وصل بود، می‌شد تصاویر بیشتری را هم در گوگل مشاهده کرد. اما حالا نشانه‌های حضور چنین نقاش معاصری و از شاگردان «هان‌ببال‌الخاص» و «محسن وزیرمقدم»، بسیار ناچیز است و این موضوع در خبرگزاری‌های داخلی که در این شرایط به اینترنت بین‌الملل دسترسی دارند هم بیشتر به چشم می‌خورد؛ آن‌هم درباره کسی که از او به‌عنوان یکی از پرکارترین هنرمندان یاد می‌شود. امین‌نظر متولد سال ۱۳۴۴ در آبادان بود. در هنرستان هنرهای زیبا و بعدها در دانشکده هنرهای زیبای تهران تعلیم دید. پس از پایان تحصیلاتش علاویدر نقاشی، به‌عنوان گرافیسیت فعالیت می‌کرد ومدتی هم مشغول تدریس در مدرسه هنرهای زیبای تهران مشغول بود. در سال ۱۳۷۵ ابتدا به پاریس وسپس به آلمان مهاجرت کرد. طی این سفر با گرایش‌های نئواکسپرسیونیست (رویاآشنا شد و تأثیرات بسیاری از آن گرفت. بیوسنت، به‌تجدیه نقاشان کلن آلمان ویرگنرژاژنخستین نمایش انفرادی در این کشور؛از جمله فعالیت‌هایش پیش از بازگشت به ایران در سال ۱۳۷۳ بود. پس از بازگشت به ایران هم به تدریس در دانشگاه آزاد هنر تهران و دانشگاه هنر یزد مشغول شد. آثارش متأثر از ویژگی‌ها و عناصر نگارگری ایرانی است که به‌شکلی هنرمندانه در همنشینی با شیوه‌های اکسپرسیونیستی قرار گرفته‌اند. آن‌طورکه وب‌سایت «دز» نوشته، موضوع اصلی در اغلب نقاشی‌ها نمایش حالات فیکورهای انسانی ومتمرکز هنرمندی بر بیانگری خطوط بوده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت رویایتگری در اثر اهمیت جدانی ندارد. در سال‌های پس از وقوع انقلاب، موضوعات اجتماعی به برخی آثار او وارد شد. امین‌نظر در طول سال‌های فعالیت خود چندین نمایشگاه انفرادی و گروهی برگزار کرده ودر سال‌های اخیر درآرت‌فرهای جهانی از جمله آرت‌فر ایبوظبی‌ارت و آژمری‌شو نیویورک شرکت داشته است. همچنین، کتاب آثار او در سال ۱۳۸۹ با عنوان «دگرسی» از سوی انتشارات نظر به چاپ رسیده است.امین‌نظر حالا در روزهایی از دنیارفته‌که زندگی با ایرانیان نامهربان‌تر از همیشه است. نوشتن از پیروسه نوشتن این یادداشت را لازم دانستم؛ چراکه در روزهای عجیبی به سر می‌بریم که حتی تنظیم کردن یک خبر ساده و نوشتن از خبر درگذشت یک نقاش معاصر مهم، به‌شدت سخت و طاقت‌فرسا شده. اینکه یک نفر چند روز در خانه از دنیا رفته و کسی خبری نداشته مشغول کافی دردناک است، اما اینکه حتی بعد از مرگش هم این بی‌خبری ادامه یابد، دردناک‌تر است. نمی‌دانم در روزهایی که زیر آتش و جنگ‌ایم، پیکر بی‌جان و تنهای او در خانه چندبار صدای انفجار را شنیده‌است.

آگهی مفقودی

سند وبرگ سبز خودرو، خودروسازی، وانت، سیستم، پیکان، تیپ: 1600 OHV به رنگ: سفید - سفید - روغنی، مدل: ۱۳۸۶ شماره موتور: ۱۱۴۸۶۴۲۲۱ و شماره شاسی: ۳۱۳۶۴۵۸۳ شماره پلاک: ۶۹۳ ج ۶۱ ایران:۵۴ به نام: عباس دهقان طرزانجی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهربابی

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو، خودرو سواری، وانت، سیستم، پیکان، تیپ: ۱۶۰۰ به رنگ: سفید بخیالی - معمولی، مدل: ۱۳۷۶ به شماره موتور: ۰۴۹۹۰۱۵۱۷۶ و شماره شاسی: ۷۶۹۹۰۲۸۹ به شماره پلاک: ۱۶۸ ل ۲۷ ایران:۶۵ به نام: مسعود حدادی هرات مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهربابی